

مفهوم آمایشی عدالت فضایی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مرتضی توکلی^۱، حسن احمدی^۲، نجمه باقری حسین آبادی^۳

چکیده

پیشرفت برنامه‌ای هدفمند در جهت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. این حرکت نیاز به برنامه‌ای دارد تا براساس آن بتوان راه را از بیراهه شناخت و در مسیر درست قدم برداشت. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با همین هدف و بر اساس مبانی معرفتی، فرهنگی، فلسفی، اخلاقی و ایدئولوژیک مورد قبول جامعه‌ی ایرانی تدوین شده و در حال تکمیل است و جایگاه عدالت نیز در این الگو به عنوان پایه و زیربنای اصلی و اساسی ذکر شده است.

از طرف دیگر لزوم توجه به آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی نیز در سال‌های اخیر به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین نوع برنامه‌ریزی آشکار شده است که می‌تواند با جنبه‌های مختلفی که مدنظر قرار می‌دهد، رسیدن به توسعه و پیشرفت را سرعت ببخشد و از بروز مشکلات برنامه‌ریزی منطقه‌ای جلوگیری کند. طبق نتایج این نگارش، نگاه آمایشی به عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم در جهت تعریف این مفهوم و هم در برنامه‌ریزی‌های آن و هم در اجرای این برنامه‌ها به عنوان بهترین دیدگاه پیشنهاد می‌گردد. چون علاوه بر دید جامع و همه‌جانبه‌ای که امکان‌پذیر می‌سازد، می‌تواند عدالت حقیقی (عدالت مطلق) را - که جوامع دیگر هرکدام فقط به جنبه-هایی از آن پرداخته‌اند- در فضای زیست جامعه‌ی اسلامی ایران محقق گرداند. عدالت فضایی را نیز عدالت مطلق معنا می‌کنیم؛ یعنی عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت اخلاقی. از روش تحلیلی برای جمع‌آوری تعاریف موجود عدالت و انتخاب نقاط قوت و حذف نقاط ضعف آن‌ها استفاده شده است تا بتوان به کمک آن‌ها به تعریف آمایشی عدالت فضایی که می‌تواند مورد استفاده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد، برسیم.

واژه‌های کلیدی، عدالت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آمایش سرزمین، برنامه‌ریزی فضایی، عدالت فضایی، مفهوم.

۱- مقدمه

توسعه و پیشرفت همواره از امور مورد توجه جوامع، گروه‌ها و افراد بوده است، علت آن را نیز می‌توان در فطرت بالنده و تمایل به رشد و پیشرفت فطری در نهاد انسان‌ها دانست. در بین نظریه‌های موجود برای توسعه، نگاه و رویکرد غربی به دلیل توفیقات شگرف در عرصه‌های مختلف علمی و اقتصادی نمود برجسته‌تری یافته است. با انقلاب اسلامی، تردید در کفایت نگاه غربی به توسعه ایجاد و در عین حال پنجره‌ای جدید رو به انسان سرگشته‌ی معاصر باز شد. ایده‌ها و اندیشه‌های نورانی امام خمینی(ره) که از مبانی مستحکم توحیدی نشأت می‌گرفت، عمق و صلاحیت عملی خود را روز به روز بیشتر نمایان کرد. در مقابل، نقاط کور و معیوب اندیشه‌ی غربی بیش از پیش سرباز کرده و ناتوانی خود را در حل معضلات جامعه‌ی انسانی به خصوص در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و معنوی نمایان ساخت. بعد از وقوع انقلاب اسلامی، برنامه‌ها و مدل‌های مختلفی برای پیشرفت نظام اسلامی طراحی و اجرا شد. بدیهی بود که جامعه نمی‌توانست منتظر تدوین یک الگوی عملیاتی دقیق مبتنی بر تفکر توحیدی بماند، بلکه باید پیش می‌رفت. البته در این مسیر فراز و نشیب‌ها و کمی‌ها و

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

۲- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد آمایش سرزمین دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول، najmehbagheri313@gmail.com

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کاستی‌ها کم نبوده است. افراط و تفریط در برخی موارد با تقلید رویکردی خاص و تغلیب آن بر سایر ابعاد زندگی، موجبات ایجاد اشکال و گاه انحراف را فراهم ساخته است (سیاه‌پوش، ۱۳۹۲، ۸).

اکنون و در آستانه‌ی چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان یک الگوی بومی و متکی بر مبنای اسلام و فرهنگ ایرانی تدوین شده است؛ که با الگوهای رایج توسعه در مبانی _ الگوهای رایج توسعه بر پایه‌ی اومانیسیم و اصول غیر الهی هستند _ و تحقق ارزش‌هایی نظیر عدالت، امنیت، معنویت و آزادی متفاوت است.

باید توجه داشت که روش مدل‌سازی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با مدل‌های نظریه‌ی هنجاری متعارف در علوم تفاوتی اساسی دارد و آن این است که در ساختن این الگو، افزون بر تجربه از عقل و وحی نیز کمک خواهیم گرفت و این مقتضای تفاوت مبانی معرفت‌شناسی اسلام و مکاتب دیگر است. از دیدگاه اسلام، توسعه و پیشرفت برای انسان‌ها و مدیون انسان‌هاست و انسان پیشرفته می‌تواند توسعه را ایجاد کند و توسعه‌ی مجرد و ذهنی نیز ارزشی ندارد، بلکه توسعه محصول تلاش انسان‌ها و برای انسان‌هاست. پیشرفت و توسعه بیش از آن که یک امر مادی و اقتصادی باشد، یک امر فرهنگی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی است (دری نجف‌آبادی، ۱۳۹۵، ۹۱). مقصود ما از پیشرفت در این مقال "حرکت از وضعیت موجود جامعه به سمت وضع مطلوب اسلامی" می‌باشد. منظور از پیشرفت تنها توسعه‌ی مادی نبوده و یک امر معنوی به سمت هدف‌ها، پرکردن خلأها و تکاملی می‌باشد. این پیشرفت همان رسیدن به حیات طیبه یعنی زندگی گوارا، همراه با آسایش و آرامش و در کل سعادت دنیا و عقبی است (شاکرین، ۱۳۹۵، ۱۱۰). براساس کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی) _ به عنوان بنیانگذار نظریه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت _ جایگاه عدالت در این الگو به عنوان پایه و زیربنای اصلی و اساسی تعیین شده است که بقیه‌ی مفاهیم باید براساس آن و در راستای آن برنامه‌ریزی شود. عدالت مفهومی عمومی در بین رشته‌های علمی است که هرکس با توجه به تخصص خودش از این مفهوم تعریفی خاص ارائه داده است، جدیدترین مفهوم در این زمینه که در سال‌های اخیر در میان برنامه‌ریزان و جغرافی دانان اهمیت ویژه‌ای یافته است و نظرات زیادی را به سمت خود جلب کرده، عدالت فضایی است. عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از توازن نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) با شاخص‌های متناظر توسعه در سطح ملی (حافظنیا، ۱۳۸۷، ۳۷). عدالت فضایی در پی برابری همه‌ی ساکنان فضای جغرافیایی در برخورداری از منابع، فرصت‌ها و زیرساخت‌ها، جدای از ناهمگونی‌های زیستی و اعتقادی است. هدف نهایی در عدالت فضایی، بهبود دور نمای زندگی در تمام عرصه‌های فضایی است. عدالت فضایی در صورتی تحقق می‌یابد که توزیع قدرت، ثروت و فرصت، متناسب با قابلیت مکان‌ها و فضاهای خرد و کلان جغرافیایی انجام شود. مکانیسم دستیابی به عدالت فضایی آمایش سرزمین است. در آمایش سرزمین با دیدی وسیع و همه جانبه به فضای ملی نگریسته می‌شود، همه‌ی سطوح فضایی کشور با دقت و از جهات مختلف مطالعه و شناسایی می‌شود، سپس بر اساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها هر منطقه و با توجه به یکنواختی و هماهنگی نتایج عملکردهای ملی آن‌ها در سطح ملی، مسئولیت خاصی به هر منطقه سپرده می‌شود. هدف کلی آمایش سرزمین عبارت است از سازماندهی فضا به منظور بهره‌وری مطلوب از سرزمین و برقراری عدالت جغرافیایی در آن در چارچوب منافع ملی. آمایش سرزمین به مثابه راهنمایی جهت دستیابی به عدالت فضایی است، پس می‌توان ادعا کرد مسیر دستیابی به عدالت فضایی از ره‌گذر توجه کامل به آمایش فضا می‌گذرد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۹).

در نتیجه می‌توان رشد و پیشرفت را در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مقدمه‌ای برای دستیابی به عدالت دانست؛ در واقع عدالت یکی از اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است، افزایش ثروت در برخی جوامع که با الگوهای توسعه غربی رخ داده است، چون همراه با عدالت نبوده به سود یک قشر و گروه از مردم بوده است، در حالی که هدف ما این است که افزایش ثروت به سود همه‌ی مردم باشد و این امر با استقرار عدل در جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. البته این به این معنا نیست که منظور ما از عدالت برابری است یا این که فقط جنبه‌ی توزیع ثروت را در نظر داریم؛ بلکه منظور ما از عدالت با زیباترین و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دقیق‌ترین تعریفی که در طول تاریخ از عدالت توسط امیرالمؤمنین امام علی(ع) ارائه شده است، همخوانی دارد. ایشان می‌فرمایند، "وَضَعُ كُلَّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ"، عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. در واقع عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن و حق هر چیز و هر کس را به او رساندن. در نتیجه پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد پیشرفت حقیقی نبوده و به نتایج مورد نظر نیز دست نخواهد یافت.

گمان نگارندگان آن است که در شرایط فعلی کشور با نظام حکومتی مبتنی بر دین و لزوم تدوین نظریه عدالت به جهت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نیاز است تا تعریف دقیق و درستی از عدالت ارائه گردد تا بر اساس آن نظریه عدالت پی‌ریزی شود و راه دستیابی به عدالت نیز در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس آن به درستی دنبال شود. از این رو این نوشته در صدد آن است تا با اشاره به رویکردها و تعاریف موجود پیرامون مسأله‌ی عدالت و در نظر گرفتن این که مؤثرترین منبع برای استخراج یک نظریه پیرامون عدالت سیره و اندیشه‌ی امیرالمؤمنین امام علی(ع) و الگوی حکومتی آن حضرت می‌باشد، به تعریف آن عدالتی که مدنظر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است برسیم و به دنبال آن یکی از ابهامات مفهومی و چالش‌های نظری و معرفتی را که در آغاز راه الگو وجود دارد مرتفع سازیم.

۲_ مواد و روش انجام تحقیق

پژوهش‌هایی از این دست که با بررسی منابع موجود و انتخاب نقاط قوت و حذف نقاط ضعف آن به یک نتیجه‌ی جدید برسند را می‌توان از نوع پژوهش‌های توصیفی _ تحلیلی دانست. در پژوهش حاضر نیز با تکیه بر منابع و اسناد و جمع‌آوری و توصیف داده‌ها و تحلیل محتوا به دنبال دستیابی به سازوکار و مفهوم عدالت به ویژه عدالت فضایی هستیم. با توجه به ماهیت تحقیق، بعد از جمع‌آوری مباحث و گزاره‌های نظری، از روش توصیفی برای طبقه‌بندی مطالب و مفاهیم استفاده می‌شود. همزمان با کمک تحلیل نیز طبقه‌بندی و تأیید یا رد گزاره‌های موجود انجام می‌گیرد. ویژگی این تعریف این خواهد بود که علاوه بر سازگاری با جامعه‌ی ایرانی، ناظر به تعاریف جهانی از عدالت نیز است و می‌توان بر اساس آن الگویی تدوین کرد که نیازهای کشور را مورد توجه قرار داده باشد. این تعریف از عدالت علاوه بر آن که لزوم رویکرد اسلامی ایرانی را در نظریه‌ی عدالت مدنظر دارد با مفاهیم و تعاریف جدید از عدالت در دنیا نیز بیگانه نیست. نکته‌ی قابل توجه در ادامه‌ی این تحقیق، معرفی آمایش سرزمین به عنوان بهترین راه دستیابی به عدالت فضایی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. در این پژوهش با توجه به گستردگی موضوع و منابع موجود، ارجاع به نتایج تحقیقات انجام گرفته‌ی قبلی بوده است، به این معنی که ادامه‌ی راه را دنبال کرده‌ایم و مستقیماً به منابع برای دسته‌بندی تعاریف رجوع نکرده‌ایم و سعی شده است تا حد امکان تمام دسته‌بندی‌های موجود و تمام تعاریف و مصادیق عدالت_ از هر جنبه‌ای که به آن پرداخته شده است_ را در نظر بگیریم. در تحلیل اسناد، به عواملی که در هر تعریف به آن توجه نشده و باعث نقص در آن تعریف است نیز توجه کرده‌ایم تا بدین منظور بتوان تعریف جامعی ارائه دهیم.

۳_ پیشینه‌ی تحقیق

بحث و تولید محتوا پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به طور ویژه باید بعد از تولید این ادبیات بدیع و گفتمان‌ساز توسط رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی(مدظله‌العالی) در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶ پی گرفت. البته مقدمات این بحث و منابع مرتبط با آن در منابع دینی و ملی ایرانیان موجود بوده است. بیشترین منابع علمی در این موضوع به همت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که از سال ۱۳۹۱ تاسیس شده، تولید شده است. مجموعه‌ی تولید شده توسط اندیشکده‌ی عدالت در این مرکز، بیشترین ارتباط را با موضوع این نوشتار دارد که به جهت رعایت اختصار از بین تعداد زیاد تولیدات این مرکز فقط به تعدادی از این آثار اشاره می‌شود:

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- ۱- جایگاه مبانی و راهبردهای عدالت اجتماعی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سیدعباس نبوی، ۱۳۹۳؛
- ۲- نظریه ترکیبی عدالت، مبنای نظری عدالت در جمهوری اسلامی ایران، سیدمحمد میرسندسی، ۱۳۹۴؛
- ۳- مفهوم، مبانی و شاخص‌های اصلی عدالت اجتماعی از منظر اندیشمندان اسلامی، سیدمحمد اصغری، ۱۳۹۳؛
- ۴- نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، حسین عیوضلو، ۱۳۹۴؛
- ۵- طراحی نظام طبقه‌بندی مسائل حوزه عدالت، عادل پیغامی، ۱۳۹۵.

کتاب عدالت که به مبحث عدالت و عدالت خواهی در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در مباحثی مثل چرایی عدالت، راه‌های تحقق عدالت، عدالت خواهی و بایدها و نبایدهای این راه پرداخته است توسط نشر انقلاب اسلامی چاپ شده است. ابراهیم‌زاده (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان آمایش سرزمین و نقش آن در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به روشن‌سازی مفهوم آمایش سرزمین و نقشی که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارد پرداخته است.

هاروی (۱۹۷۳) پیشگام تفکر عدالت سرزمینی است و تحقیق بر روی ظهور عدالت اجتماعی در فضا را پیگیری کرد. مفهوم پیچیده عدالت وقتی با مفهوم فضا ادغام گردد، پیچیده‌تر می‌گردد، اولین استفاده از اصطلاح عدالت فضایی، رساله دکتری جان اولین در سال ۱۹۷۳ با عنوان "عدالت فضایی و رأی دهندگان سیاه پوست آمریکا؛ ابعاد سرزمینی سیاست شهری" بوده است. اولین نوشته‌ی شناخته شده‌ی انتقادی در مفهوم عدالت فضایی، مقاله‌ایست که توسط جی اچ پی ری در سال ۱۹۸۳ نوشته شده است. پی ری اولین کسی است که از مفهوم عدالت اجتماعی و عدالت سرزمینی مفهوم فضا را استخراج کرد. از دهه ۱۹۸۰، استفاده و توسعه واژه عدالت فضایی به طور انحصاری با کار جغرافیدانان و برنامه‌ریزان در لس‌آنجلس همراه شد. در انگلستان، برنامه‌ریزی کاربری اراضی و برنامه‌ریزی فیزیکی در دهه ۸۰ میلادی و اوایل دهه ۹۰ به سمت برنامه‌ریزی فضایی تغییر جهت داد که دیوید لامی در این تغییر نقش اساسی داشت. در سال ۲۰۰۱ دیکسی، از جایی که پی ری متوقف شده بود، بحث عدالت فضایی را فراتر از الگوهای ثابت توزیعی، به سمت فضا سازی و ارتباطات اجتماعی توسعه داد. توجه به ارتباط متقابل فضا و عدالت که از دهه ۷۰ میلادی و در آثار جغرافیدانان رادیکالی مثل دیوید هاروی و ادوارد سوگا پدید آمد، راه تازه‌ای گشود که بر اساس آن می‌شد دیدگاه‌های مختلف و متنوع نظری در مورد عدالت اجتماعی را با محور قرار دادن فضا به هم نزدیک کرد (علیزاده، ۲۳، ۱۳۹۳).

ادوارد سوگا در سال ۲۰۱۰ در کتاب به دنبال عدالت فضایی به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته است. او استدلال می‌کند که عدالت جغرافیایی است و توزیع عادلانه منابع، خدمات و دسترسی یک حق اساسی است.

۴_ مبانی نظری

۴-۱ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای اولین بار با تولید ادبیات بدیع و گفتمان‌ساز رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶ به دایره واژگان محافل علمی رسانه‌ای جامعه ایران اضافه شد. لب مطلب رهبر انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در این زمینه وجود تفاوت‌های ماهوی الگوی پیشرفت مورد نیاز یک جامعه اسلامی با الگوهای توسعه اقتصادی وارداتی، غیربومی و غربی بود. اکنون در آستانه‌ی چهل سالگی انقلاب و بعد از گذشت هفت سال، طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به نتیجه رسیده است، این سند مهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت را تدوین کرده و افق مطلوب کشور را در پنج دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای نیل به آن را طراحی کرده است. البته تحقق این پیشرفت کاری عظیم و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دشوار، اما ممکن و شیرین است. و البته نیازمند بررسی عمیق ابعاد مختلف این سند و ارائه نظرات مشورتی جهت تکمیل و ارتقای این سند بالا دستی توسط دستگاه‌ها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران می‌باشد.

۴-۲ عدالت

پیشینه‌ی بحث در مورد عدالت و تلاش برای دستیابی به آن به اجتماعات انسانی و تمدن اولیه بشری بر می‌گردد. افلاطون در کتاب جمهوری، عدالت را در توازن و تعادل می‌داند، از دید سیسرون، روسو و مارکس، عدالت در گرو اجرای برابری در جامعه است؛ از این رو از دید این دانشمندان عدالت را می‌توان توزیع برابر منابع و ابزار تولید در بین افراد جامعه تعریف کرد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹، ۷۰). هاروی به عنوان یک نئومارکسیست توزیع عادلانه‌ی منابع را بر اساس نیاز مطرح می‌کند و در توزیع عادلانه علاوه بر اصل نیاز به اصول استحقاق و منفعت عموم نیز توجه دارد. جان رالز از مطرح کنندگان عدالت قراردادی بوده و از دید این دانشمند هر کس حق برابری برای داشتن آزادی‌های پایه را دارد و جایی که ضرورت داشته باشد، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به نفع محروم‌ترین افراد جامعه توزیع شوند. یورگن هابرماس و جان فریدمن، عقلانیت ارتباطی و اجتماعی را مطرح کرده و به خلق نظریه‌های گفتمانی مردم‌سالارانه در رسیدن به عدالت در شهر تأکید دارند و پیرو عدالت اجتماعی به مثابه گفتمان می‌باشند. از دید فوکو عدالت را باید در تحلیل روابط قدرت سنجید. هابز بر این باور است که دولت باید عدالت را بر منافع شخصی تحمیل کند تا از پستی و نامطبوعی زندگی اجتماعی در جامعه جلوگیری شود. سوزان فاینشتاین برای دستیابی به عدالت در جامعه، توجه به ارزش‌های موجود در جامعه را مدنظر دارد. استاد مطهری عدالت را به معنای رعایت استحقاق‌ها در جامعه دانسته و آن را ابزاری برای رسانیدن حق به صاحب حق عنوان کرده است. در اندیشه‌ی حضرت علی (ع) معنای عدالت در قرار دادن هر چیزی در جای واقعی خودش با توجه به شایستگی‌ها و استحقاق‌ها عنوان شده است. این صورت‌بندی‌های متفاوت از عدالت که به نظر می‌رسد به شدت وابسته به مکتب فکری و زمان و مکان باشد، نشان از پیچیدگی این مفهوم با ارزش در جامعه انسانی دارد (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۷۶).

جدول ۱، تقسیم‌بندی عدالت فضایی از دیدگاه‌های متفاوت (Cho, ۲۰۰۳، ۱۱۳)

(به نقل از داداش پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۷۶)

تعریف	انواع عدالت فضایی
هر شخصی سهم برابری دریافت می‌کند	سهم برابر
افراد توانایی برابر به فرصت‌های برابر دارند	فرصت برابر
سهم‌های توزیع شده برای متعادل کردن نابرابری‌های موجود است	عدالت جبرانی
خدمات متناسب با نیازها توزیع می‌شود	عدالت نیاز محور
دریافت منفعت در ارتباط با سطح پرداختی است	عدالت بازار
منافع در تناسب با سطح تقاضای شهروندان توزیع می‌شود	عدالت تقاضا محور

۵- اهداف تحقیق

شناخت مفهوم آمایشی عدالت فضایی مورد نیاز در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۶- سوالات تحقیق

۶-۱ آیا تعاریف موجود در باب مفهوم عدالت را می‌توان مبنای عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر گرفت؟

۶-۲ آیا می‌توان به عدالت نگاه فضایی داشت و بعد فضایی عدالت چگونه میسر می‌شود؟

۷- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از ضروری‌ترین اقدامات برای آغاز راه تدوین یک برنامه، ارائه‌ی یک تعریف دقیق و بدون ابهام از مفاهیم مورد استفاده است؛ به صورتی که مرز هر مفهوم مشخص شده و از مفاهیم نزدیک به خودش جدا گردد و از طرف دیگر برای مخاطبان

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مشخص گردد که منظور و مقصود تهیه‌کنندگان این برنامه چه بوده و چه تشابهات و تفاوت‌هایی با سایر برنامه‌ها دارد، از سوی دیگر این امر برای تهیه‌کنندگان نیز مفید است، بدین صورت که در پرداختن نظریه و در عمل از آمیختگی مفهومی عبارات نزدیک به هم جلوگیری می‌شود. این مطلب از جهت حساسیت امر برنامه‌ریزی و لزوم شفافیت مفاهیم و منظورهای و مقاصد برای این امر می‌باشد. عدم روشن بودن معنا و منظور دقیق مفاهیم در ذهن، باعث می‌گردد که مصادیق آن‌ها در عمل از شفافیت و دقت لازم برخوردار نشود.

آمایش سرزمین بر خلاف سایر روش‌های برنامه‌ریزی که معمولاً جنبه‌ای از زندگی را فرومی‌گذارند تمام عرصه‌های مرتبط با زندگی بشر را مورد برنامه‌ریزی قرار می‌دهد و در یک برنامه‌ریزی درست و بی‌عیب آمایش سرزمین ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی به همراه بعد غیرمادی و معنوی زندگی انسان مورد توجه قرار می‌گیرد و در برنامه‌ی پیشنهادی توسط آمایش سرزمین برای تک تک این ابعاد به صورت مجموعه‌ای مرتبط با هم برنامه‌ریزی می‌شود. علاوه بر این، متمایزترین ویژگی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی که بسیار قابل توجه است و می‌تواند راه‌حل ناکامی‌های برنامه‌ریزی‌ها و الگوهای توسعه‌ی قبلی باشد، وجه فضایی این نوع از برنامه‌ریزی‌هاست. توجه به فضا و اندیشه‌ی فضایی قابلیت است که متأسفانه برنامه‌های قبلی از آن برخوردار نبوده‌اند و اکنون با انبوهی از برنامه‌های اجرا شده یا در حال اجرا و حتی نیمه تمام رها شده مواجه هستیم که نتوانسته‌اند به اهداف اولیه‌ی خود برسند و خود مانعی در راه توسعه به حساب می‌آیند. از جمله قابلیت‌هایی که رویکرد فضایی به برنامه‌ریزی آمایش سرزمین داده است می‌توان به کل‌گرایی و نگرش همه‌جانبه به مسائل، دورنگری و آینده‌نگری، انعطاف‌پذیری، نگرش همزمان کمی و کیفی، استنتاج فضایی و برنامه‌های منطقه‌ای مشارکت جویانه در راستای برنامه‌های ملی و بین‌المللی اشاره کرد.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز با توجه به اهداف والایی که دارد و به عنوان یک سند بالا دستی می‌تواند از این قابلیت‌های آمایش سرزمین در راه پیشرفت متعادل جامعه مبتنی بر عدالت بهره‌بردار؛ چرا که در این برهه از زمان تجربه‌های برنامه‌ریزی به خوبی گویای این مسأله هستند که عدم جامع‌نگری و دید فضایی در برنامه‌ریزی‌ها و نیز در اجرای برنامه‌ها راهی به جلو نخواهند داشت و در حالت خوشبینانه اگر پسرفتی نداشته باشند، بدون شک دچار درج‌ازدن در یک نقطه هستند. برای نیل به این هدف، به خصوص در شرایطی که تحلیل‌ها عمدتاً منحصر به تعدادی پارامتر مشخص و قابل سنجش و اندازه‌گیری هستند، آمایش سرزمین می‌تواند با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و رویکرد تحلیل فضایی به الگوسازی همه‌ی عوامل و عناصر، حتی عوامل کیفی بپردازد. کل‌نگری در آمایش سرزمین می‌تواند بین برنامه‌های منطقه‌ای و بخشی رابطه‌ی طولی برقرار کند و از موازی کاری جلوگیری کند، علاوه بر این خاصیت تحلیل فضایی و تفکر فضایی این است که محدود به مقولات کمی نیست و به همان اندازه برای مقولات کیفی نیز سهم تأثیر قائل است و به صورت سیستماتیک برنامه‌ریزی می‌کند. این منظر می‌تواند تأمین‌کننده‌ی نیاز آینده‌نگری و عدالت بین‌نسلی نیز باشد. نقطه مشترک دیگری که در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد نیاز است و در روند آمایش سرزمین نیز دیده می‌شود، تحقق نتایج هر دو در بلندمدت است. رسیدن به نتایج منطقی در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت برای آمایش سرزمین امکان‌پذیر نیست؛ زیرا نتایج این برنامه نیازمند تغییرات ساختاری و تحول در عوامل به سمت پایداری دارد که در مدت زمان طولانی و افق بلند مدت قابل تحقق است. البته این به معنای غفلت از برنامه‌های کوتاه و میان مدت نیست و این دو هرکدام باید در راستای برنامه‌ی بلند مدت آمایش سرزمین تدوین گردد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز سندی است که اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت و افق مطلوب کشور در پنج دهه‌ی آینده را ترسیم نموده و تدابیر مؤثر برای دستیابی به آن طراحی شده است. از این جهت است که آمایش سرزمین می‌تواند به عنوان روش برنامه‌ریزی در راه دستیابی به اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد استفاده قرار گیرد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نکته‌ی دیگر را می‌توان در ماهیت و اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جستجو کرد که همانا دستیابی به عدالت است و یکی از الزامات تحقق عدالت نیز داشتن سازمان فضایی متعادل است که متأسفانه در ایران به شکل بسیار نامتعادلی است و راه حل فعلی برای رساندن سازمان فضایی به تعادل در جامعه، آمایش سرزمین می‌باشد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۶) اهدافی را برای آمایش سرزمین تعریف کرده است که عبارتند از اهداف محیطی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و سیاسی. این اهداف را می‌توان مجموعه‌ای دانست که در کنار اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کامل‌ترین و جامع‌ترین اهدافی است که تاکنون در برنامه‌ریزی‌های توسعه به آن اشاره شده است و از این نظر منحصر به فرد است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اهداف آمایش سرزمین را تکمیل می‌کند و آمایش سرزمین نیز با تکنیک‌ها و نگاه فضایی خود، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را در رسیدن به اهدافش یاری می‌رساند.

یکی از موارد لازم برای اجرایی شدن آمایش سرزمین در هر کشوری این است که به سند آمایش سرزمین به عنوان یک سند بالا دستی نگریسته شود و به یک گفتمان فراگیر و عمومی تبدیل شود. همین مورد درباره‌ی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز صدق می‌کند؛ همان‌طور که در اهداف مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز ذکر شده است زمینه‌سازی، طراحی و هماهنگی به منظور استفاده از حداکثر ظرفیت‌های ملی در جهت گفتمان‌سازی و ترویج الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نیز بسترسازی جهت حضور گسترده جوانان در عرصه تفکر و مطالعه و طرح مباحث مربوط به پیشرفت اسلامی ایرانی در مراکز علمی و در سطح وسیع جامعه با مشارکت عمومی به ویژه نسل جوان در جهت گفتمان‌سازی انجام می‌گیرد تا جامعه در مورد این الگو به وفاق عمومی برسد و همگان لزوم این الگوی بومی را درک کنند. رویکرد آمایش سرزمین می‌تواند از این جنبه همگام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد، بدین صورت که با قابلیت ایجاد زمینه تعامل میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت و ارائه الگوی فضایی متعادل و منطقی در زیست بوم ایران در مراحل تدوین و اجرای الگو به عنوان نگاه مکمل اعمال شود. ویژگی منحصر به فرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نسبت به سایر الگوهای موجود که تعدادی از آن‌ها نیز در کشور ما به اجرا درآمده و تجربه شده‌اند، این است که این الگو ویژگی‌های منحصر به زیست بوم کشورمان را در کنار ارزش‌های الهی و اعتقادی مورد قبول مردم را مدنظر قرار می‌دهد.

با وجود این‌که بحث‌های مرتبط با آمایش سرزمین در ایران از قدمتی نزدیک به نیم قرن برخوردار هستند، ولی با این حال، به دلایل گوناگون هیچ‌گاه به اهداف تعیین شده‌ی خود نرسیدند، به نظر می‌رسد که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بهترین گزینه برای رفع نقاط ضعف و نارسایی‌های موجود در راه رسیدن به سازمان فضایی متعادل در کشور می‌باشد، چرا که یکی از دلایل عدم موفقیت آمایش سرزمین در این چند دهه فقدان طرح و برنامه‌ی مصوب مشخص که در راستای اهداف باشد؛ می‌باشد. در واقع به نظر می‌رسد بین اهداف آمایش سرزمین و برنامه‌های مصوب فضایی برای اجرا، هماهنگی و تناسب کافی وجود نداشته است و این باعث شده است که نتایج حاصل از برنامه‌ها به طور مشخص همان اهداف تعیین شده نباشد.

اینک الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با بهره‌گیری از دیدگاه‌های فضایی مکانی صاحب نظران دانشگاهی می‌تواند به طراحی راهبردهای راه‌گشا به منظور ساماندهی مجدد فضای سرزمین ملی، مبتنی بر ضرورت‌ها و نیازها، متناسب با نگاه اسلامی ایرانی پیشرفت و تعالی کشور گام‌های اساسی و تأثیرگذار بردارد. از این منظر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توجه به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت، با لحاظ نمودن بهترین شکل توزیع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین راهبردها خواهد بود. قاعدتاً آمایش بنیادین برگرفته از احکام و فرامین اسلامی و وحیانی، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و در نظر گرفتن توانمندی‌ها و محدودیت‌های محیطی سرزمین ملی و در واقع الگویی بومی خواهد بود. از این دیدگاه در نقشه راه پیشنهادی برای آمایش این الگو باید بحث انسان و جامعه ایرانی، ویژگی فعالیت انسانی و بحث سکونت و فضا از منظر ایرانی و اسلامی بررسی شده و نهایتاً توزیع استقرار بهینه جمعیت در کشور و تعیین محورهای رشد با این نگاه مدنظر قرار گیرد. در واقع، این دیدگاه آمایشی با دیدگاه متعارف توسعه تفاوت‌های ماهوی خواهد داشت؛ زیرا در این الگو

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

رابطه انسان با خدا در کنار انسان با محیط، انسان با خود و انسان با دیگر انسان‌ها اساس تدوین راهبردها قرار می‌گیرد و فعالیت در حوزه‌های مختلف با حداکثر بهره‌برداری مطلوب و نه حداکثر ممکن از منابع، با توجه به اصول پیشرفت و توسعه پایدار، با بهره‌گیری از مشارکت مردمی مورد توجه قرار می‌گیرد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۳، ۳۲).

فضا و سازمان فضایی از برآیند عوامل ارادی و غیرارادی شکل می‌گیرد. روشن است برای رسیدن به عدالت فضایی باید عدالت را در تمامی این عوامل برقرار کرد تا به عدالت فضایی برسیم. عدالت فضایی را توزیع عادلانه امکانات، تسهیلات و خدمات در سطح سرزمین می‌دانند، به طوری که هیچ مکانی نسبت به مکان دیگر از نظر برخورداری از مزیت‌های فضایی برتری نداشته باشد. نابرابری شرایط طبیعی نباید توجیهی بر نابرابری فضایی تلقی شود. بلکه با استفاده از اصل پیشنهادی اولویت بهتر است به مناطق محروم کشور و به نواحی کمتر توسعه یافته و همچنین در مقیاس خردتر در سطح محلات نابسامان شهری، به سکونت‌گاه‌های غیر رسمی توجه بیشتری شود و عدالت توزیعی مد نظر قرار گیرد (حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۰، ۷۸).

اگر بخواهیم عدالت فضایی را به طور خلاصه معنا کنیم برابر خواهد بود با عدالت مطلق؛ یعنی عدالت برای همه و عدالت در همه‌ی شئون و زمینه‌ها؛ یعنی عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت اخلاقی. در بین این ابعاد عدالت اجتماعی در عمل و عدالت اخلاقی در عمل و مبانی کمتر مورد توجه بوده‌اند به صورتی که کمتر برنامه‌ای را می‌توان یافت که به صورت جامع برای اجرای همه‌ی این ابعاد از عدالت برنامه‌ی مدونی تدوین کرده باشد. در اینجا می‌توان به یکی دیگر از وجه تمایزات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با سایر برنامه‌ها اشاره کرد که در نظر گرفتن تمام عرصه‌ها و زمینه‌های مؤثر در عدالت با تمام زیرمجموعه‌هایشان است. عدالت مطلق در ادبیات جغرافیایی با مفهوم عدالت فضایی برابر است. عدالت فضایی یعنی چه کسی، چه چیزی را به چه مقدار، کجا و چگونه به دست آورد. معمولاً در بین نظریه‌هایی که پیرامون عدالت ارائه شده است، غفلت از یک یا چند جنبه و انحصار در یک جنبه را می‌توان مشاهده کرد. همین امر بسترهای لازم برای تحلیل‌های فضایی را ایجاد کرد، به طوری که در بحث عدالت، مفهوم عدالت از انحصار دیدگاه‌های اقتصادی و سیاسی خارج و ضرورت تعادل بخشی به این مفهوم در معنا و در عمل تحت عنوان عدالت فضایی مطرح گردیده است. اصطلاح عدالت فضایی نیز تا چندسال تحت تأثیر مفاهیم عدالت سرزمینی، عدالت محیطی و کاهش بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای بود (SOJA، ۲۰۰۸، ۱۵).

ولی آن‌چه از مفهوم درست این عبارت برداشت می‌شود همان عدالت مطلق است؛ بدون این‌که هیچ بعدی بر ابعاد دیگر غلبه داشته باشد. توجه به جنبه‌ی فضایی عدالت را از دهه ۷۰ میلادی و در آثار جغرافیادانان رادیکالی مثل دیوید هاروی و ادوارد سوگا می‌توان دید. در این دوران که اهمیت تفکر فضایی و دیدگاه‌های متنوع پیرامون فضا و برنامه‌ریزی فضایی مطرح شده و مشخص گردیده که علت عدم موفقیت برنامه‌ها عدم دید فضایی در آن‌ها بوده است، هر اندیشمندی باید بتواند به مسائل مرتبط با حوزه‌ی کاری‌اش دید فضایی داشته باشد و عدالت نیز از این دید مستثنی نیست و نظریه‌های عدالت اجتماعی با دید فضایی دوباره مورد بررسی مجدد قرار گرفتند و دید فضایی کمک کرد تا تمامی نظریه‌های عدالت که در حوزه‌های مختلف ارائه شده بودند به صورت یک جا و تحت عنوان عدالت فضایی با هم دیده شوند. هدف از کاربرد عدالت به عنوان یک موضوع فضایی این است که بیان شود عدالت منحصر به تعدادی موضوع خاص نیست، و اینکه تمام عدالت باید در تمامی شاخص‌ها و نیروهای مؤثر در توسعه‌ی فضایی و برنامه‌ریزی فضایی یک منطقه دیده شود، چراکه در این صورت است که می‌توان در نهایت انتظار مشاهده‌ی عدالت فضایی در گستره‌ی وسیع را داشته باشیم.

مکانیسم دستیابی به عدالت فضایی آمایش سرزمین است. در آمایش سرزمین با دیدی وسیع و همه‌جانبه به فضای ملی نگریده می‌شود، همه‌ی سطوح فضایی کشور با دقت و از جهات مختلف مطالعه و شناسایی می‌شود، سپس بر اساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها هر منطقه و با توجه به یکنواختی و هماهنگی نتایج عملکردهای ملی آن‌ها در سطح ملی، مسئولیت خاصی به هر منطقه سپرده می‌شود. هدف کلی آمایش سرزمین عبارت است از سازماندهی فضا به منظور

بهره‌وری مطلوب از سرزمین و برقراری عدالت جغرافیایی در آن در چارچوب منافع ملی. آمایش سرزمین به مثابه راهنمایی جهت دستیابی به عدالت فضایی است، پس می‌توان ادعا کرد مسیر دستیابی به عدالت فضایی از ره‌گذر توجه کامل به آمایش فضا می‌گذرد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۹). با این توصیف می‌توان عدالت فضایی را که از راه آمایش سرزمین به دست می‌آید، مساوی با عدالتی دانست که می‌تواند در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد نظر باشد؛ چرا که آمایش سرزمین علاوه بر مفهوم و مبانی نظری در تحقق عدالت فضایی نیز از روش‌ها و مدل‌های قابل قبولی پیروی می‌کند.

نکته‌ی مرتبط قابل ذکر در مورد عدالت فضایی این است که مجریان این امر در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای برنامه‌ها در مصادیق امکانات و تسهیلات و خدمات عمدتاً به جوانب مادی پرداخته‌اند و از جنبه‌های غیر مادی غافل بوده‌اند، یکی از دلایل این امر را می‌توان عدم امکان سنجش جنبه‌های کیفی با اعداد و آمار دانست که باعث می‌شود محققین از آن‌ها چشم‌پوشی کنند و در نتیجه تأثیر زیاد این عوامل در تحقق کامل عدالت در نظر گرفته نشود.

در واقع عدالت فضایی دست پژوهشگر و برنامه‌ریز را در عمل بازتر می‌دارد، امری که اگر قرار بود در مورد حوزه‌های عدالت به صورت مجزا انجام گیرد، مطمئناً به نتیجه‌ی مطلوبی نمی‌رسید. عدالت فضایی جایگزین ابعاد و حوزه‌ها و عرصه‌های عدالت نیست، بلکه ظرفی است که همه‌ی موارد و عرصه‌های عدالت را به صورت یک‌جا مطالعه می‌کند و مانند هر نگرش فضایی دیگری دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که دیدگاه‌های دیگر از آن بی‌بهره‌اند. فضا یک موجود زنده است که همواره ساخته می‌شود و علاوه بر این که انسان سازنده‌ی فضاست، فضا نیز بر انسان تأثیرگذار است. عدالت فضایی این امکان را فراهم کرد تا بتوانیم عدالت و بی‌عدالتی را در فضایی که یک موجود زنده است بسنجیم، مقیاس این فضا نیز از زندگی شخصی شروع شده و تا فضاهای بزرگتر مثل فضای شهری، فضای سرزمینی و فضای کل هستی ادامه دارد. عدالت فضایی از آن‌رو می‌تواند مفید باشد که نگاه یک بعدی و از بالا به پایین مسئولان را به نگاه چندبعدی و جامع‌نگر تغییر می‌دهد.

البته برخلاف تصور انبوه مقالاتی که به سنجش عدالت فضایی با سنجش صرف توزیع خدمات و امکانات پرداخته‌اند باید گفت که این مفهوم درستی از عدالت فضایی نیست و تنها جنبه‌ی ای از عدالت فضایی را شامل می‌شود. با وجود این که عدالت فضایی مفهوم جامعی است و هر آنچه که در ساخت فضا موثر است را شامل می‌شود ولی گاهی محققان بسته به رشته‌ی خود و بنا به کارکرد و هدف خود، تعریفی متفاوت از آن ارائه داده‌اند، مثل اینکه عدالت فضایی برای برخی صرفاً برابری در فاصله مکانی از خدمات است! زیباترین و دقیق‌ترین و جامع‌ترین تعریف از عدالت را می‌توان در کلام امیرالمومنین علی (ع) دید، ایشان عدالت را اینگونه تعریف می‌کنند، "وَضَعُ كُلُّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ" یعنی عدالت آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. با این تعریف می‌توان ایشان را اولین نفری دانست که به جنبه‌ی فضایی عدالت اشاره کرده است به این نحو که قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش یعنی مطلوب‌ترین چینش و آمایش و آن چیزی که هدف نهایی آمایش سرزمین است تا بدین نحو هر چیزی نهایت کارایی خودش را داشته باشد. امام علی ع همچنین عدل را به معنی مراعات انصاف در حقوق مختلف افراد می‌دانند، به عبارت دیگر رعایت اعتدال در امور و پرهیز از افراط و تفریط به معنی رعایت انصاف در امور می‌باشد. همان‌گونه که از تعاریف و روش‌های فضا و فضایی مشخص است برای موفقیت در این راه و مخصوصاً برای رسیدن به عدالت فضایی لازم است تا مدلی پویا طراحی کنیم. چون مفهوم برنامه‌ریزی نیز به صورت خودکار مفهوم زمان را تداعی می‌کند. البته مشکل طراحی مدل‌های پویا نظری و تکنیکی می‌باشد. امروزه متأسفانه علیرغم تنوع اشکال کارکردی مدل‌ها، اکثر آن‌ها شکل‌های کارکردی - آماری یا برنامه‌ریزی خطی دارند یا بر تکنیک‌های تجربی تکیه می‌کنند (برياسولیس ۱۳۹۴، ۳۷۷). تأکید اخیر در مورد موضوع عدالت و البته تمام تحقیقات و پژوهش‌های آمایش سرزمین حرکت به سمت مدل‌های فضایی است که بروز فضایی علل و نتایج تغییرات را در همه‌ی زمینه‌ها ممکن می‌سازد و تحقیقات آینده نگاری را به کمک این مدل‌ها می‌توان سهل‌تر نمود. به طور خلاصه، مفهوم آمایشی عدالت فضایی را باید در نگاه سیستمی به آن جستجو کرد، نگاه سیستمی به مفهوم عدالت یعنی نگاه جامع و نظام‌مند، این که بدانیم عدالت مفهومی است شامل زیر

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مجموعه‌هایی به گستردگی تمام حوزه‌های دانش بشری و هرکس در حوزه‌ی علمی خودش می‌تواند تعریفی از عدالت بسته به نیاز خود ارائه کند که هر تعریف در جای خود صحیح است ولی کامل نیست. جغرافیا و به تبع آن آمایش سرزمین برای رسیدن به اهداف خود نیازمند نگاه سیستمی به عدالت است. مرحله‌ی اول عدالت فضایی این است که بتوانیم تمامی حوزه‌های عدالت را به درستی و البته به صورت جامع شناسایی کنیم و این امر با رویکرد سیستمی امکان‌پذیر است. نتیجه‌ی نگرش سیستمی به مفهوم عدالت این است که در نهایت می‌بینیم که عدالت فضایی شامل تمامی مواردی است که یک برنامه‌ریزی فضایی باید به آن‌ها بپردازد چرا که عدالت آن چیزی است که در نتیجه‌ی برنامه‌ریزی درست برای یک منطقه حاصل خواهد شد. در پیوند با مبحث طراحی مدل‌های پویا برای تحقق عدالت فضایی که در بالا ذکر شد، می‌توان تفکر سیستمی و ابزارهای این نوع تفکر مثل پویایی سیستم‌ها را برای طراحی این‌گونه مدل‌ها پیشنهاد کرد. در پایان پیشنهادات زیر جهت تحقق امر عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه می‌گردد:

الف) تدوین فرهنگ واژگان مخصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جهت بیان دقیق تعاریف مورد استفاده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ایجاد مدل مفهومی مشترک بین صاحب‌نظران، محققان، تدوین‌کنندگان، اجراکنندگان، مسئولین و مردم؛

ب) انتخاب تفکر سیستمی به عنوان یکی از رویکردهای غالب تفکر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

ج) توجه ویژه به آمایش سرزمین بومی ایران و استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی در این علم؛

د) نگرش مطلق به عدالت بدون تمایز و برتری جنبه‌ای از عدالت بر جنبه‌های دیگر.

فهرست منابع

- ۱-..... حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۷). مباحث کلاسی درس ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس، به نقل از حافظ نیا، محمدرضا، قادری حاجت، مصطفی، احمدی پور، زهرا، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، گوهری، محمد. (۱۳۹۳). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی، ایران)، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم، شماره ۱.
- ۲-..... حافظ‌نیا، محمدرضا، قادری حاجت، مصطفی، احمدی پور، زهرا، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، گوهری، محمد، (۱۳۹۳). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی، ایران)، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم، شماره ۱.
- ۳-..... داداش‌پور، هاشم، رستمی، فرامرز. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل نحوه‌ی توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی (مطالعه موردی، یاسوج). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره شانزدهم.
- ۴-..... علیزاده، آزاده، رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل سازمان فضایی یزد از منظر عدالت فضایی. پایان‌نامه دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵-..... حاتمی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۰). اصول عدالت اجتماعی و بازخوانی فضایی ایران. در دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، نشست اندیشه‌ورزی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مجموعه مقالات سلسله نشست‌های اندیشه‌ورزی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دفتر دوم؛ عدالت. تهران: انتشارات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ۶-..... سیاه‌پوش، امیر. (۱۳۹۲). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۷-..... اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۹). عدالت در اندیشه سیاسی غرب. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۳ و ۱۵۴.
- ۸-..... دری نجف‌آبادی، قربانعلی. (۱۳۹۵). نگاهی به توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام، دیدگاه‌هایی در مبانی پیشرفت. تهران: انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ۹-..... شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۹۵). گستره دین و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دیدگاه‌هایی در مبانی پیشرفت. تهران: انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۱۰-..... ابراهیمزاده، عیسی. (۱۳۹۳). آمایش سرزمین و نقش آن در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: نشر الگوی پیشرفت.

۱۱-..... بریاسولیس، هلن. (۱۳۸۸). الگوهای تحلیلی تغییر کاربری زمین: رویکردهای نظری و مدل سازی. ترجمه مجتبی رفیعیان و مهران محمودی. تهران: نشر ارس رایانه، آذرخش.

12-..... Soja, Edward. (20۰۸). The city and justice spatial. The Conference Spatial Justice, Nanterre, Paris.